

## جذابیت‌های چین در شعر پارسی تاریخ میانه ایران

\* عطاءالله حسینی

دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

ایران و چین طی روابط طولانی خود تأثیرات عمیقی بر هم داشته‌اند. بازسازی این روابط باتوجه به شرایط کنونی جهان واجد اهمیت بسیار است. البته گستردگی موضوع مانع از آن است که به همه ابعاد این روابط پرداخته شود. از این رو، تمرکز این تحقیق مبتنی است بر این سؤال اصلی که «علل توجه ایرانیان به چین و چینیان چه بوده؟ و در چه حوزه‌هایی از ایشان تأثیر می‌پذیرفته‌اند؟» برای یافتن پاسخ به سؤال تحقیق، با تکیه بر منابع ادبی، از روش تحقیق تاریخی استفاده شده است. نتیجه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ایرانیان کالاهای مورد نیاز خود را بیشتر از چین وارد می‌کردند. اقلام وارداتی به دلیل کیفیت بالا، بیشتر از کالاهای مشابه سایر کشورهای مورد علاقه و تقاضای ایرانیان بوده است. این کالاهای علاوه بر مصارف روزمره، تأثیرات عمیق فرهنگی نیز بر ایرانیان داشته است: هنرمندان چینی با هنرمندان ایرانی در تصویرسازی نسخ خطی همکاری می‌کرده‌اند. زیبایی‌های طبیعت چین و فضای هنرپرور آن‌جا مورد تحسین شاعران ایرانی بوده و برای ایشان جذابیت سیاحتی و مهاجرتی داشته است. زیبا رویان چینی نیز در ذهن انگیزی و خیال‌پردازی شاعران ایرانی نقش آفرین بوده‌اند. درحالی‌که برعکس، برخی از متصوفه و عارفان ایرانی، این زیبارویان را «راهزن ایمان» دانسته، محکوم‌شان می‌کردند و به مریدان خود هشدار و آگاه باش می‌دادند که در مواجهه با ایشان مراقب ایمان خود باشند.

کلیدواژه‌ها: ایران، چین، روابط.

## Chinese Attractions in Persian Poetry of Iran's Middle Ages

Attallah Hassani, Ph.D.

Associate Professor, Department of History  
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

### Abstract

Iran and China have had deep influences on each other through their long-lived relationships. Reconstruction of the past relationship between two countries, due to present circumstances of the world, possesses a great deal of importance. The extent of the subject under investigation, however, places some restriction on paying attention to all aspects of the case. Therefore, the focus of the research shall be on this question that "why did the Iranians' pay attention toward China and Chinese people, and in what areas were they affected by the Chinese?" To find the answer, the investigation was based on literary sources through historical research method. The finding point out that Iranians imported the commodities in need, from China. The imported commodities, due to their high qualities, were more requested by Iranians than the same Commodities from other countries. These commodities, besides their daily usage, had a deep cultural effect on Iranians: the Chinese artists cooperated with Iranian artists in illustrating the handwritten manuscripts; beauties of China's nature and patronizing arts there were admired by Iranian poets, and had traveling and migratory attractions to them; Chinese pretty damsels had a great role in brainstorming and imagination of the Iranian poets. On the contrary, some of the Iranian mystics condemned them as "faith bandits" and warn their murids (followers) to take care of their faiths when facing these beautiful damsels!

Keywords: Iran, China, Relationship.

واژه‌ها اگرچه به تنهایی واجد معنا هستند، اما وقتی نقش آفرین می‌شوند که در زنجیره ارتباطی با دیگر واژگان قرار گیرند. کشورها نیز، همچون واژگان، در برقراری ارتباط با دیگر کشورهاست که معنا می‌یابند و در متن تاریخ جهانی صاحب هویت می‌شوند.

ایران و چین از دیرباز، آن زمانی که حتی نطفه بسیاری از واحدهای سیاسی کنونی جهان در بطن تاریخ بسته نشده بود، با همدیگر ارتباط و دوستی داشتند. حاصل این ارتباط، دیرپاترین شریان‌های حیاتی جهان یعنی راه معروف به ابریشم و راه دریایی منتهی به خلیج فارس و شعبه‌های متعدد آن‌ها بود. شریان‌هایی که قرن‌ها جهانیان را از محصولات تجاری و دستاوردهای هنری و فرهنگی و فکری این دو تمدن بهره‌مند ساخت.

اهمیت این شریان‌های حیاتی به میزانی بوده و هست که نوحاستگان تمدن بشری نیز به اهمیت احیاء آن پی برده و مساعی خود را برای نیل به مقصود به کار گرفته‌اند. به شرطی که خامی نکنند و سینه‌ای را که از آن شیره حیات نوشیده‌اند به دندان طمع نگزند و به مستی جوانی، پیران تمدن بشری را رنجه ن سازند، و از زبان محتشم کاشانی بشنوند:

جوانی جان من پند غلام پیر خود بشنو

مکن کاری که از دستت دل پیر و جوان لرزد

جاده ابریشم مسافران بسیاری داشته است. زبان فارسی از جمله مسافران همیشگی این راه بوده که به مثابه رسانه‌ای حامل پیام راستی و درستی و محبت و دوستی، عمل کرده است. این مسافر و عملکرد مطلوب صاحبان آن، موجب اعتبار و نفوذ ایرانیان در نزد چینیان بوده است. میزان و درجه اهمیت نفوذ ایرانیان در چین، از پذیرش و ماندگاری زبان فارسی در بنگاه‌های راه ابریشم در چین، و تصنیف و تألیف لغت‌نامه و دستور زبان فارسی در این کشور پیداست.

چینیان نیز در ایران جایگاه و اعتبار بالایی داشتند و توانمندی و چیره‌دستی نگارگران و آثار هنری و فرهنگی و اقلام صادراتی ایشان مورد توجه و تکریم بوده است. از متون قرن چهارم ق به بعد، در اغلب دیوان‌ها و متون ادبی و تاریخی ایران نام چین دیده می‌شود.

اینکه علل توجه ایرانیان به چین چه بوده و این توجه چه مقوله‌هایی را دربرمی‌گرفته است، مسأله اساسی تحقیق حاضر است. اهمیت مسأله در مورد پرسش قرار دادن پیشینه روابط دو کشور از منظر مردمی و غیر دولتی آن است. حاصل تحقیق برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی ایران و چین با عنایت به روانشناسی تاریخی جامعه ایرانی مفید خواهد

بود. بنابر نوشته شاهرخ تیموری — از پادشاهان فرهنگ دوست و هنرپرور ایران — به امپراتور هم عصرش از سلسله مینگ، « محبة الآبا، قرابة الابنا » یعنی دوستی پدران سبب نزدیکی فرزندان ایشان می‌گردد (حافظ ابرو، ج ۱: ۴۶۸-۴۶۶).

تاکنون چند کتاب و مقاله درباره روابط ایران و چین تألیف و تصنیف شده است، اما رویکردی متفاوت به مسأله داشته‌اند و در مقام پاسخ به پرسش‌های دیگری برآمده‌اند.

چرا ایرانیان در تاریخ میانه خود به چین و چینیان توجه خاص داشتند؟ ارتباط با چین کدام نیاز فردی و اجتماعی ایرانیان را برآورده می‌کرد؟ آیا این نیازها را دیگران نمی‌توانستند برآورده سازند؟ اگر نه، چرا؟ این‌ها پرسش‌هایی است که تحقیق حاضر در جست‌وجوی پاسخ آن‌هاست. با توجه به این که در تاریخ میانه ایران کشورها و مناطق بسیاری با ایران رابطه تجاری و فرهنگی داشته‌اند، به نظر می‌رسد هیچ‌کدام به اندازه چین از نظر عاطفی و مادی نیازهای مردم ایران را برآورده نمی‌کرده‌اند. کالاهای تجارتي چین از نظر کیفیت بالا، و آثار هنری ایشان برجسته، و بهار طبیعت‌شان زیبا بوده و برای شاعران ایرانی که نمایندگان عاطفی و احساسی مردم‌اند، جذابیت داشته است. به علاوه نقش‌نگارگران بقول مولانا « عقل و فهم » ربا، و زیبایی دختران چینی، عرصه خیال پردازی شاعران را وسعت می‌بخشیده است، تا بتوانند رضایت عمومی را در قالب تعابیر شاعرانه بر زبان جاری سازند.

نظر به ماهیت موضوع، رویکرد این تحقیق کیفی و روش تحقیق تاریخی است؛ و شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای. اطلاعات مربوط به چین و چینیان را در متون تاریخی و ادبی، اعم از نظم و نثر، و نیز متون پزشکی می‌توان یافت. در این جا برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به مسأله تحقیق، ضمن توجه به متون تاریخی و پزشکی و متون نثر، بیشتر به متون نظم فارسی عنایت شده است. شاعران در واقع نمایندگان عاطفی توده مردم و چشم و گوش و زبان لایه‌های آشکار و نهان فرهنگ جامعه‌اند. از این رو، فیش‌برداری داده‌ها از دیوان شعر تعدادی از شاعران تاریخ میانه ایران صورت می‌گیرد و سپس داده‌های جمع‌آوری شده، مقوله‌بندی و تحلیل و تفسیر می‌شود.

در مقوله‌بندی آن چه از چین مورد توجه شاعران و نویسندگان ایرانی بوده است، نخست به « کالاهای تجارتي » می‌پردازیم. این کالاها بسیار متنوع بوده و در سطوح مختلف حیات فردی و اجتماعی کاربرد داشته است.

با در نظر گرفتن وساطتی که در دوران قدیم به کار گرفته می‌شد و طول مدت آمدوشد، چین دورترین نقطه جغرافیایی آن روزگار در شرق نسبت به موقعیت ایران دانسته می‌شده

است. از این‌رو، گاهی با عنوان «مشرق چین» در برابر «مغرب شام» از آن کشور نام برده شده است. حد چین تا شام نیز حوزه نفوذ ایران قلمداد می‌شده، چنان‌که ظهیر قاریابی خطاب به ممدوح خود می‌گوید:

چو از رعایت سعی تو ماند گسترده بساط شرع محمد ز حد چین تا شام  
(دیوان ظهیر قاریابی: ۴۰۶)

اما، بُعد راه مانع از ارتباط میان ایران و چین نبوده است و کاروان‌های تجاری که گاهی زنان تاجر نیز همراه آن می‌شده (طوسی: ۲۰۳-۲۰۴)، به طور مستمر آمدوشد داشته‌اند. از آن‌جا که سرمایه با امنیت ملازمت دارد، شواهد تاریخی بیانگر این نکته است که در تمام مکاتبات بین امپراتوران چین و پادشاهان ایران تأکید جدی بر برقراری امنیت در راه‌های کاروان رو می‌شده است. نمونه را از نامه امپراتور معاصر شاهرخ تیموری از سلسله مینگ می‌آوریم که در سال ۸۱۵ هجری می‌نویسد: «... بعد از این کسان فرستیم تا آی و رو کنند تا راه منقطع نشود تا تجارت و کسب به مراد خویش کنند.» (حافظ ابرو، ج ۱: ۴۶۱-۴۵۸) و یا از نامه سال ۸۲۰ هجری اش «... مقصود آن که قاعده دوستی می‌باید که ممهد باشد و راه رسالت و مکاتیب گشاده تا رعایا و تجار به مراد خود آیند و روند [و] راه ایمن باشد.» (همان، ج ۲: ۶۶۶-۶۶۵) و از پاسخ شاهرخ به نامه نخست که می‌نویسد: «... مقرر آن است که بعد از این راه‌ها گشاده باشد تا بازرگانان به سلامت روند و آیند، که این معنی سبب آبادانی مملکت و نیکونامی دنیا و آخرت است.» (همان، ج ۱: ۴۶۸-۴۶۶) از مضمون نامه‌ها پیداست که تا چه میزان پادشاهان برای «ایمن» بودن راه‌ها اهمیت قائل بوده‌اند و «به مراد خویش» آمدن و رفتن بازرگانان را تا چه حد مد نظر داشته‌اند.

اما اقلام صادراتی چین که به ایران می‌آمد. بخشی از این اقلام صادراتی لوازم خانگی بود؛ از جمله جام‌های بلورین، قدح، کاسه، و آینه. بخشی دیگر شامل انواع قماش و منسوجات از قبیل دیبا، پرنیان، پرنده، حلّه، حریر، میرم، کمخا، و اطلس می‌شد. دسته اخیر کالاها به قدری مورد استعمال و استقبال بوده و متقاضی داشته است که بعضاً انگیزه مقاومت در برابر ورود آن را پدید می‌آورده است. نظام قاری — شاعر قرن هشتم — در دیوان البسه، در کنار گوشه زدن به اهل تصوف، ضمن برشمردن انواع پوشاک مورد استفاده عصر خود، به انواع قماش‌های وارداتی از چین اشاره کرده است و، با رویکردی حمایتی از منسوجات داخلی، همراه با موضع‌گیری تندی می‌گوید:

تا نهادند بر صوف قماشات خطا  
صد شکن از طرف کفر در اسلام افتاد  
(نظام قاری: ۶۲)

در باب واردات مواد غذایی و احتمالاً تأثیر عادات غذایی چینیان بر ایرانیان، از اشاره بسحق اطعمه پیداست که نوعی غذای گیاهی چینی نیز در سفره ایرانی جا باز کرده بوده است. او از کبابه چینی یاد می‌کند. (دیوان مولانا بسحق: ۱۲).

بخش دیگری از صادرات چین که در ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته و شهرت داشته است، انواع داروهای گیاهی بوده است. ریوند، حب ریوند، زنجبیل، مامیران، (حکیم میسری، ص ۱۲۶، ۱۱۶، ۱۱۳، ۲۷) و مردم گیاه (دیوان خاقانی: ۴۴۷) از جمله آن‌ها بوده که در منابع پزشکی به طور مکرر از آن‌ها یاد شده است.

نقره و آهن نیز که به عنوان مواد خام مورد استفاده صنف زرگر و شمشیرگر و احتمالاً دیگر اصناف بوده، از جمله اقلام صادراتی چین به ایران به‌شمار می‌رفته است. خاقانی شروانی می‌نویسد:

زرگر ساحر صفت را بهر صنع سیم چینی و زر مائی فرست

\*

گوهر تیغ اش هندی تن و چینی سلب است

هند با چین چو یمن با مضر آمیخته اند

یا

تیغ تو عذرای یمن در حله چینی تن چون خرده در عدن بر تخت مینا ریخته

(دیوان خاقانی: ۱۱۹، ۳۸۰، ۸۲۶)

علاوه بر این اقلام تجاری، تجارت انسان نیز از دیگر فعالیت‌های چشمگیر و رایج عصر از طریق راه ابریشم بوده و جوانان مناطق تابعه چین با عنوان غلام و کنیز در بازارهای ایران در معرض فروش گذاشته می‌شده‌اند. این قلم از اقلام تجاری طبعاً علاوه بر نقش اقتصادی، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی محسوسی داشته است.

اما، مشهورترین قلم صادراتی چین به ایران مواد خوشبوکننده همچون مشک یا نافه بوده است که علاوه بر مصارف غذایی، استفاده آرایشی برای زنان و مردان داشته و از این رو، مورد ستایش بسیار شاعران ایرانی قرار گرفته است. طبعاً آن‌چه با محبوب آدمی مرتبط گردد محبوب می‌شود، به‌ویژه اینکه محبوب آسمانی باشد. عطار می‌گوید:

مشک از چین طلب که نیم شبی      چینی از زلف تو به چین افتاد  
(دیوان عطار: ۱۱۶)

این طرز توجه به کالای خاص، علاوه بر بیان تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، حکایت از کیفیت مطلوب آن کالا می‌کند. ایران در همان دوره از کشورها و مناطق مختلف دیگری از جمله هندوستان، تبت، روسیه، روم، ارمنستان، کریمه، سمرقند، خلیج، سغد، کابل، بدخشان، خوارزم، شام، حلب، دمشق، انطاکیه، بین‌النهرین، عدن، یمن، صنعاء، طایف، قبرس، محفور، اسکندریه، مصر، حبشه، مغرب، و ... واردات داشته است. در داخل نیز، به‌ویژه در یزد، کاشان، شوشتر، لاهیجان، تبریز، سیستان، و خراسان منسوجات ابریشمی از شهرت برخوردار بوده است، ولی بسامد بالای استفاده شاعران و نویسندگان از نام چین و کالاهای چینی و مناطق تابع آن، حکایت از برتری قابل توجه این کالاها در رقابت با کالاهای مشابه از دیگر جاها می‌کند.

چین به دلیل طبیعت زیبا و فضای هنرپرور جذابیت بالایی داشته است. از این روح‌جاذبیت سیاحتی و مهاجرتی چین از مقوله‌های دیگر مورد اشاره و توجه شاعران و نویسندگان ایرانی بوده است. حکایتی از امام محمد غزالی نشانگر این است که جز بازرگانان از طبقات دیگر اجتماعی هم با مقاصد سیاحتی یا غیر آن به چین می‌رفته‌اند. غزالی که قصدش تنبه سلطان زمان است، حکایت زاهدی را نقل می‌کند که از سفر چین بازگشته بود و ماجرای «گریه ملک چین بر کری خود» را به هدف تشویق و تشجیع خلیفه عصر به عدالت گستری برای او نقل می‌کند؛ از این قرار که «... ملک [چین] را گوش کر شده بود. می‌گریست عظیم و می‌گفت نه از آن می‌گیریم که شنوایی من به خلل شده است. ولیکن از آن می‌گیریم که مظلوم بر در سرای من فریاد می‌کند و من نشنوم. ولیکن چشم بر جای است. منادی کنید تا هر که تظلم خواهد کرد جامه سرخ پوشد. پس هر روز بر پیل نشستی و بیرون آمدی و هر که جامه سرخ داشتی وی را بخواندی.... یا امیرالمؤمنین ... نگاه کن تا شفقت تو چگونه است» (غزالی طوسی: ۵۳۶).

خاقانی شروانی برخلاف دیگران، در انتخاب چین یا هندوستان برای سفر، هند را ترجیح داده، می‌گوید:

به هندستان اصلی شو برای مردم معنی      به چین صورتی تا کی پی مردم گیا رفتن  
(دیوان خاقانی: ۴۴۷)

از قید کلمه « تا کی » که مبین تکرار فعل است، پیداست که دیگران چین را ترجیح می‌داده‌اند و بیشتر مسافرت ایرانیان به چین صورت می‌گرفته است. اساساً در تاریخ میانه ایران توجه ایرانیان به شرق است؛ چه به هدف تجارت و چه به قصد سیاحت یا مهاجرت. در دوران صفوی که دوران گذر از تاریخ میانه و آغاز تاریخ جدید ایران است، با توجه به شرایط جدید سیاسی و مذهبی در داخل ایران و استقبال از شاعران و متفکران ایرانی در هند، بیشتر مهاجرت‌ها به آن‌جا صورت می‌گرفت. ولی جذابیت سفر به چین هم برجای بود. وحشی بافقی حسرت دوری از چین و همکناری با بتان آن‌جا را در دل دارد و می‌گوید:

بیا ای آهوی وحشی کجایی      بین حالم به دشت بینوایی  
تو در بتخانه چین با بتان یار      به غار مصر من چون نقش دیوار

(کلیات دیوان وحشی: ۴۷۰)

قدسی مشهدی - از شعرای قرن یازدهم - نیز از ترکیب «حسرت مسافرت به چین» در کلامش استفاده می‌کند، و حال آن‌که در آن زمان قصد مسافرت نداشته و صرفاً برای جلب عنایت پادشاه آن را بر زبان رانده است. اما، همین بر زبان آوردن نشان می‌دهد که علاقه مسافرت به چین تا چه پایه در میان مردم وجود داشته است که او از نداشتن حسرت برای سفر به آن‌جا رفتنش سخن می‌گوید. کلامش این است:

شها مدیح سگال توام درین کشور      نه رغبت است به هندم نه حسرت است به چین  
(دیوان حاج محمدجان... : ۱۵۹)

اما چون عنایت و حمایتی نمی‌بیند در مقام تفاخر و معرفی جایگاه هنری و ادبی خود برمی‌آید و می‌گوید:

و گر به چین کنم آهنگ، نقش مانی را      کشد به خاک سیه کلک عنبرافشانم

و نیز:

به حسن سخن بس که پرداختم      ز معنی عجب صورتی ساختم  
به چین گر کند جلوه نقش چنین      شود نقش دیوار نقاش چین

(همان : ۲۲۸، ۸۴۴)

ولی توجهی به او و اقدامی برای رفع نیازش نمی‌شود و سرانجام جذابیت بیرونی و شرایط خاص درونی کشور او را وادار به مهاجرت می‌کند. چنان‌که می‌گوید:

بعد چندین ساله مدحت گستری زین آستان

می‌کشد قسمت عنانم را به ملک هند و چین

می‌روم زین شهر تا در گوشه صحرای سعی

پای در دامان کشم چندی، ولی دامان زین

(همان : ۲۶۶)

قدسی مشهدی در دوران پیری شعری سروده است که اگر مبنای تجربی و عینی داشته باشد، حکایت از تجربه عشقی ناموفق او در چین می‌نماید:

غنیمت شمار ای جوان وقت خویش	که مرگی بود پیری از مرگ بیش
مرو از پی چشم خوبان دلیر	که آن آهوان راست چنگال شیر
منه دل به خوبان چین و چگل	که بر موی چینی نیندند دل
مده دل به این تنگ چشمان ترک	چو یعقوب مسپار یوسف به گرگ
ندارد گل آرزو رنگ و بو	به آب قناعت بشو دست ازو

(همان : ۹۲۲، ۹۲۸)

روی دیگر سکه روابط ایران و چین فرهنگ و هنر است. از کالاهای فرهنگی اثرگذار در جامعه ایران، نقاشی چین را می‌توان نام برد. این هنر چینی زبان زد شاعران و عارفان ایرانی بوده است. از همکاری‌های فرهنگی ثبت‌شده چینیان با ایرانیان در تاریخ، همکاری در نگارگری کلیله و دمنه بوده که گزارش آن در یکی از کهن‌ترین نمونه‌های نثر پارسی یعنی «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» آمده است. بنا بر آن گزارش: «... نصر بن احمد [سامانی] ... دستور خویش را — خواجه بلعمی — بر آن داشت تا [کلیله و دمنه] از زبان تازی به زبان پارسی گردانید ... و رودکی را فرمود تا به نظم آورد... پس چینیان تصاویر اندر افزودند تا هر کسی را خوش آید دیدن و خواندن آن» (برگزیده نثر فارسی : ۷-۸).

نمونه دیگر، ارسال نقاشی‌های نفیس توسط امپراتوران چین به دولتمردان ایرانی است. حافظ ابرو در توصیف نقاشی ارسالی از جانب یکی از امپراتوران سلسله مینگ به امیر سید احمد ترخان در سال ۸۲۰ هجری می‌نویسد: «... صورت اسب، نقاشان ختای در غایت خوبی کشیده بودند با دو اختاجی که آن اسب را گرفته بودند. چنان که نقاشان چابک دست از مثل تصویر آن عاجز بودند» (حافظ ابرو، ج ۲ : ۶۶۶، ۶۶۵).

ستایش از نقاشان چینی و نقش‌آفرینی ایشان در میان شاعران ایرانی فراگیر است. تا جایی که غالباً تلاش می‌کنند با برابر دانستن زیبایی‌یارشان با آثار نقاشان چینی محبت آنان



را به خود جلب کنند. ابوشعب هر وی از شاعران عصر سامانی معشوق خود را این گونه توصیف می کند:

لب چنان کز خامه نقاش چین  
برچکد بر سیم از شنگرف مد  
(پیشاهنگان شعر فارسی: ۱۷۳)

فرخی سیستانی وقتی که به محبوب خود پیام می فرستد، او را «نگار چین و ماچین» می نامد:  
بگو آن توده گل را بگو آن شاخ نسرین را

بگو آن فخر خوبان را نگار چین و ماچین را  
(دیوان حکیم فرخی سیستانی: ۴۰۴)

حسابی از شاعران قرن دهم هجری خطاب به محبوبش می گوید:

خط و خالت نگارستان چین است  
به چین ابرویت دل همنشین است  
(دیوان حسابی: ۱۶۶)

گاهی نیز شاعران با برتری دادن زیبایی محبوب خود بر جذابیت تصاویر چینی می خواهند دل او را به دست آورند. عماد فقیه کرمانی می گوید:

تا بشکنند خامه و در حیرت اوفتند  
بنمای نقش روی به صورتگران چین  
(دیوان عماد فقیه: ۲۴۲)

امیر شاهی سبزواری نیز چنین می گوید:

اگر ببیند تو را با زلف پر چین  
کند صورتگری نقاش چین بس  
(دیوان امیرشاهی...: ۵۵)

بهار طبیعت زیباست. طبعاً زیبایی هر پدیده ای باید با زیبایی بهار سنجیده شود. اما، شاعران ایرانی گاهی برای نشان دادن زیبایی و پر نقش و نگاری بهار طبیعت آن را با نقاشی چین برابر می نهند. عمیق بخاری بهار را چنین توصیف می کند:

فرشی فکنده دشت پر از نقش بافرین  
تاجی نهاده باغ پر از در افتخار  
آن چون بهارخانه چین پر ز نقش چین  
این چون نگارخانه مانی پر از نگار  
(دیوان عمیق...: ۱۶۲)

شاعران ایرانی وجه کمال هر چیز را در هنر هنرمندان و آثار هنری و کالاهای چینی دیده و آن را معیار و محک سنجش کیفیت موارد مشابه از سایر جاها قرار داده اند. گاهی نیز حد اغراق پیموده و روی یار را در لطافت به حریر چین و زلف یار را در خوشبویی به مشک چین

و طره یار را در زیبایی به نقش چین تشبیه کرده‌اند. شاعران ایرانی چون «زیبایی معیار» را زیبایی زیبارویان چینی دانستند، زیبایی محبوب خیالی یا واقعی خود را با این محک ارزیابی می‌کردند می‌سنجیدند عطار، دلبر آسمانی خود را در لطافت فخر خوبان چین قلمداد می‌کند:

دلیم از دلبران بتی بگزید      که به رخ همچو ماه و پروین است  
از لطیفی که هست آن دلبر      فخر خوبان چین و ماچین است

(دیوان عطار : ۷۱)

عطار از کمال حسنی که برای دلبرش قائل است، او را بر لعبتان چین برتری می‌دهد:  
بر بتان چین و ترکان چگل      از کمال حسن لشکر می‌کشی

(همان : ۶۴۵)

قاسم انوار نیز که قصد مقایسهٔ محبوبش با زیبارویان چینی را دارد، رذانه از واژهٔ دو معنایی «عکس» استفاده می‌کند که در برخورد نخست از آن افادهٔ معنی برابری می‌شود و در مرتبهٔ دیگر برتری معشوق فهمیده می‌شود. شعر این است:

هرجا که بوده ایم همه فاش دیده ایم      عکس جمال روی تو در لعبتان چین

(کلیات قاسم انوار : ۲۶۵)

شاعران عارف مسلک که به موانع وصول به معشوق ازلی می‌اندیشند، گرفتار دام عشق دنیایی شدن را از جمله موانع می‌دانند. از این رو، برخی از ایشان زیبارویان چینی را راهزنان ایمان دانسته‌اند. کم عنایتی برخی بزرگان به زنان نیز عموماً از چنین تفکری منشأ می‌گیرد. قاسم انوار خطر دور شدن از محبوب را یادآوری می‌کند و به بری ماندن خود از عشق «لعبتان خطهٔ چین» تفاخر می‌نماید:

چه چین در ابرو آوردی که گشتی      اسیر لعبتان چین و ماچین

\*

مرا از شاهد جان نور معنیست      چه جای لعبتان چین و ماچین

(کلیات قاسم انوار : ۲۶۲، ۲۶۳)

کمال خجندی نیز صورت و زیبایی دنیوی را در نزد زیبارویان چین و زیبایی معنوی را در نزد معشوق خود می‌بیند:

گر صورت چین با رخ خوب تو به دعویست

آن‌جا همگی صورت و این‌جا همه معنیست

(دیوان کمال خجندی : ۲۳۲)

شاید از همین رو است که مولانا همانند تمام عارفان که به دنبال آینه صافی دل‌اند تا قابل تجلی محبوب گردد، نگارگری چینیان را همچون زیارویانشان مانع وصول به محبوب دانسته است. از نظر مولوی دل صافی جز با ریاضت نفس ممکن نیست. داستان «مری کردن نقاشان چین و نقاشان روم» در مثنوی معنوی نشانه چنین تلاشی است. مولوی که برخلاف نخستین گزارشگر این داستان یعنی غزالی، نقش رومیان و چینیان را جابه‌جا می‌کند (زمانی، ج ۱: ۹۹۴-۹۹۳)، هرچند هنر نقش‌آفرینان چینی را می‌ستاید و حاصل کار ایشان را با صفت «عقل و فهم ربا» بیان می‌کند؛ اما چون عقل و فهم ابزار بسنده‌ای برای معرفت الهی نیست، کار رومیان را که آینه باصفایی از دیوار، که قابلیت تصویرپذیری ندارد، پرداخته‌اند و آن را مستعد پذیرش «صورت بی‌منتها» نموده‌اند، برتر می‌داند. مولوی که طی ایات پیش از داستان نتیجه مطلوب خود را به این صورت بیان کرده بود:

گر ز نام و حرف خواهی بگذری      پاک کن خود را ز خود، هین یکسری  
همچو آهن ز آهنی بی رنگ شو      در ریاضت آینه‌ی بی‌زنگ شو  
از دو صد رنگی به بی‌رنگی ره‌یست      رنگ چون ابرست و بی‌رنگی مه‌یست  
(مولوی: ۱۵۲-۱۵۳)

در این جا واژه کلیدی «دل» را به عنوان تنها وسیله نیل به مقصود، که همان معرفت محبوب ازلی است، می‌شناساند و می‌گوید:

آن صفای آینه وصف دل است      صورت بی‌منتها را قابل است  
(همان: ۱۵۳)

مقوله دیگری که از تأثیرات فرهنگ چین در ایران است، بیداری حس خودمداری است که به‌ویژه در برابرگذاری سلاطین و پادشاهان با فغفور (به طور عام) و مدح و ستایش ایشان خودنمایی کرده است. بررسی این مقوله را به فرصتی دیگر واگذار می‌کنیم.

حاصل سخن اینکه طی روابط بلند مدتی که ایران با چین داشته است، در حوزه روابط تجاری اقلام تجارتی زیادی از چین وارد می‌کرده است. این اقلام به دلیل برخورداری از کیفیت بالا، در مقام رقابت، نسبت به کالاهای مشابه از کشورهای دیگر از جایگاه برتری برخوردار بودند. این کالاهای علاوه بر رواج مصرفی، تأثیرات فرهنگی-اجتماعی خاصی را نیز برجای می‌گذاشتند. دیگر اینکه چین به دلیل طبیعت زیبا و فضای هنرپرور برای ایرانیان جذابیت سیاحتی و مهاجرتی داشت و نشانه‌های چنین جذابیتی تا اواخر دوره صفویه ملاحظه

می‌شود. نیز کالاهای فرهنگی چین از جمله نقاشی و در کنار آن همکاری هنرمندان دو کشور تأثیرات مثبتی در ایرانیان داشت و بسیار مورد تحسین بود. درباره زیبارویان چین، که با معیارهای ایرانی در حد اعلاهی زیبایی بودند، منابع تاریخ میانه ایران برآند که اینان در ذهن‌انگیزی و خیال‌پردازی شاعران نقش بسزایی داشتند. چنان‌که این امر باعث شده بود که برخی از متصوفه و عرفا زیبارویان چین را راهزن ایمان بپندارند و به جوانان و خامان طریق تصوف هشدار و آگاه باش دهند! کلام آخر این‌که:

تا که زلف نگار پرچین است      چین ز لفظ دری برون نرود

### منابع

- برگزیده نثر فارسی. فراهم آورده دکتر محمد معین. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۳۲.
- پیشاهنگان شعر فارسی. بکوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابهای جیبی، ۲۵۳۶.
- حافظ ابرو. ۱۳۷۰. زبده التواریخ. ۲ ج. تصحیح و تعلیقات دکتر حاج سید جوادی. تهران: انتشارات سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حکیم میسری. ۱۳۶۶. دانشنامه در علم پزشکی. باهتمام دکتر برات زنجانی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- درخشان، مهدی. ۱۳۶۴. اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگانی و آثار او. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیوان انیرالدین اخیسکتی. باهتمام رکن الدین همایونفرخ. تهران: کتابفروشی رودکی، ۱۳۳۷.
- دیوان ادیب صابر ترمذی. باهتمام محمد علی ناصح. تهران: انتشارات علمی، بی تا.
- دیوان امیرشاهی سبزواری. به تصحیح سعید حمیدیان. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸.
- دیوان انوری، ۲ جلد. باهتمام محمد تقی مدرس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- دیوان حاج محمدجان قدسی مشهدی. مقدمه و تصحیح محمد قهرمان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.
- دیوان حسابی. تهران: چاپخانه دانشگاه، ۱۳۵۴.
- دیوان حکیم سوزنی سمرقندی. باهتمام دکتر ناصرالدین شاه حسینی. بی جا: بی تا.
- دیوان حکیم فرخی سیستانی. بکوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۹.
- دیوان خاقانی. باهتمام دکتر ضیاءالدین سجادی. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۷.
- دیوان ظهیر فاریابی. باهتمام تقی بینش. مشهد: کتابفروشی باستان، ۱۳۳۷.
- دیوان عطار. باهتمام تقی تفضلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.

- دیوان عماد فقیه کرمانی. باهتمام رکن الدین همایونفرخ. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸.
- دیوان عمیق بخاری. تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی فروغی، بی تا.
- دیوان عنصری بلخی. بکوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳.
- دیوان قطران تبریزی. باهتمام حسین آهی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی خزر، بی تا.
- دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی. باهتمام حسین بحرالعلومی. تهران: دهخدا، ۱۳۴۸.
- دیوان کمال خجندی. باهتمام ک. شیدفر. مسکو: دانش، ۱۹۷۵.
- دیوان مجیرالدین بیلقانی. تصحیح و تعلیق محمد آبادی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۸.
- دیوان مسعود سعد سلمان. تصحیح رشید یاسمی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- دیوان منوچهری دامغانی. بکوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷.
- دیوان مولانا بسحق حلاج شیرازی مشهور به اطعمه. شیراز: کتابفروشی معرفت شیراز، ۱۳۶۰ چ ۲.
- زمانی، کریم. ۱۳۷۸. شرح جامع مثنوی معنوی، ج ۱. تهران: انتشارات اطلاعات.
- طوسی، خواجه نظام الملک. ۱۳۶۴. سیرالملوک: سیاست نامه. باهتمام هیوبرت دارت. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد. ۱۳۶۱. کیمیای سعادت، ج ۱. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلیات دیوان وحشی بافقی. باهتمام م. درویش. تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶.
- کلیات قاسم انوار. باهتمام سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۳۷.
- مولوی، جلال الدین. ۱۳۸۰. مثنوی معنوی، دفتر اول. باهتمام قوام الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات بوستان. چ ۵.
- نظام قاری، مولانا محمود. ۱۳۵۹. دیوان البسه. باهتمام محمد مشیری. تهران: انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران.



شپښه ښکاره علوم انساني و مطالعات فرانسې  
پر تال جامع علوم انساني